

بواسطه جناب اسحق خان زائر و آقا میرزا حبیب علیه بهاء الله الأبهي

هو الله

ای یاران عبدالبهاء حمد خدا را که این زندانرا بهر یاران ایوان فرمود و این سجن اعظم را گلشن الطاف جمال قدم کرد هرچند مسجون و محصور ولی الحمد لله هر یک از یاران الهی مانند سید حضور جانفشانیم و شادمان قربانیم و کامران خون خویش سیل کنیم و رضای ربّ جلیل جوئیم زهر را شهد یابیم و تلخ را شیرین شماریم مشام از نفاتح قدس معطر است و دیده از پرتو ملکوت ابهی منور و قلوب در تبّتل هر شام و سحر و متضرّع باستان جلیل اکبر که

ای پروردگار آمرزگاری و ای کردگار بزرگواری پس یاران مشتاقرا بهرهئی از اشراق ده و عشاق روی خویش را پرتوی از دلبر آفاق بخش آوارگان بادیه هجران را بحریم وصال درآر و گمگشتگان صحرای فراق را محرم حرم وصال کن عاشقان را از حرمان نجات ده و آشفتهگان را در بزم قرب سر و سامان بخش صامتانرا ناطق کن و قانطان را امیدوار فرما بیگانگان را آشنا کن و محرومانرا محرم راز فرما مخمودان را برافروز و منجمدان را بنار محبت بسوز طریق هدی بنما و ابواب ملکوت ابهی بگشا بنیان حسد و بغضا برانداز ایوان محبت و وفا برافراز و بیچارگان را چاره ساز ای دلبر مهربان هر بینوائی سرگشته کوی تو و هر مرغ بی پر و بالی گرفتار موی تو و هر سرگشته و سرگردانی ناظر بسوی تو و هر سوخته دلی تشنه جوی تو و جهانیان هرچند غافلند ولی بجان در گفتگوی تو ندانند و نشناسند نجویند و نپویند ولی مستحق الطافند و سزاوار عنایت و اعطاف ای کریم نظر باستعداد هر سقیم مفرما بفضل عمیم معامله کن و بنور مبین هدایت فرما یاران خویش را یآوری کن و عاشقان ملکوت جمال را بشارت وصال ده و دردمندان عشق را درمان دل و جان بخش هر یک را بر خدمت آستانت موفق کن و در زمرة راستان درآر و از دوستان راستان کن تویی مقتدر و توانا و تویی بخشنده و درخشنده و تابان

ای یاران روحانی من جناب اسحق خان با چشمی گریان و دلی سوزان و کبدی بریان خواهش تحریر نامه نموده و رجای اثر این خامه فرموده و فی الحقیقه دوستان را سر باستانست و یارانرا بنده و پاسبان با رخی افروخته و دلی سوخته ذکر احبای الهی نماید و طلب تأیید نامتناهی فرماید و عبدالبهاء را بعجز و زاری در درگاه حضرت احدیت مجبور نماید تا بملکوت ابهی بگرم و بزارم و باحبای الهی نامه نگارم و از آستان اسم اعظم محبان را عون و عنایت طلبم ای یاران هزاران شکر آندلبر مهربان را سزاوار که مؤمنانرا چنین با یکدیگر مهربان فرموده و مشتاقانرا تعلق دل و جان بخشیده تا توانید با یکدیگر عشق ورزید و همدگر را پرستش نمائید و با بیگانگان نیز آمیزش نمائید و هر ملحد عنودی را پرورش نمائید و فضل و بخشش شایان و رایگان فرمائید این است مسلک اهل بها این است روش ثابتان بر میثاق این است صفت عاشقان دلبر آفاق این است سمت منجذبان ملکوت اشراق امیدوارم که مانند شمع برافروزید و بمثابة نار موقده الهیه پرده اوهام و ظنون مقلدان اهل فنون بسوزید زیرا در این ایام بعضی از بیفکران چنان گمان کرده اند که فنون مخالف حقائق و معانی منزله از ربّ بیچون است و حال آنکه آنچه بوحی الهی نازل حقیقت واقع و آنچه از مسائل فنیّه و افکار فلاسفه مخالف نصّ صریح کتاب است آن نقص در فنون و علوم است نه در حقائق و معانی مستنبطه از جمال معلوم چنانکه در قرآن آیاتی مصرّح نازل که مخالف آراء حکمیّه و مسائل فنیّه و قواعد ریاضیّه اهل فنون آن عصر بود لهذا همچو گمان شد که این نصوص الهیه خلاف واقع زیرا مخالف قواعد فنیّه ریاضیّه مسلمّه در آفاق بود و در آزمون مسائل ریاضیّه بتمامها مؤسس بر قواعد بطلمیوسیّه بود و مجسطی در جمیع اقالیم مسلم بر جمیع اهل فنون بود و مبنای رصد بطلمیوس بر سکون ارض و حرکت افلاک بود و نصوص قرآنیّه چنانچه میفرماید و کلّ فی فلک یسبحون مخالف آن و همچنین از اساس رصد بطلمیوس آفتاب را حرکت فلکی قائل و نصّ قرآن آفتاب را حرکت محوری ثابت چنانچه میفرماید و الشمس تجری لمستقرّ لها ذلک تقدیر العزیز العلیم ولی بعد از آنکه اصحاب فنون و ریاضیون هزار سال تدقیق کردند

و تحقیق نمودند و آلات و ادوات راصده ایجاد کردند و رصد نجوم نمودند واضح و مشهود شد و ثابت و محقق گشت که نصّ صریح قرآن مطابق واقع و جمیع قواعد بطلمیوسیّه باطل آن فی ذلک لعبره لأولی الألباب سبحان الله بعضی اهل معارف اروپا را گمان چنان که دین مخالف علم و معارض آن بلکه نعوذاً بالله سبب استیلاء جهل بر جمیع مردمان زیرا گویند که علم را دلیل و برهان و دین را نه اساسی نه بنیان و حال آنکه دین الهی مروج علم است و مؤسس فنون و مبین مسائل و شارح حقایق چنانکه قوم عرب در نهایت جهالت بودند بلکه کور و کر و بمثابه بهائم در جزیره العرب برحله الشتاء و الصیف مألوف و باقبح اعمال و اشنع عادات موصوف چون جمال محمدی از افق یثرب و بطحا جلوه نمود دین الله چنان قدرت و قوتی بنمود که در اندک زمانی این اقوام جاهله در جمیع علوم و فنون سرحلقه دانایان شدند و نواقص علوم و فنون فیلسوفان را اکمال نمودند و همچنین در جمیع مراتب ترقی باوج اعلی رسیدند چنانکه بغداد مرکز علوم شد و بخارا مصدر فنون گشت و علم چنان رایتی در اندلس بلند نمود که جمیع دانایان اروپا در مدارس قرطبه و کوردوفان آمده اقتباس انوار علم را از مشکاة مدارس اسلام مینمودند از آن جمله جوانی از اهالی اروپا در مدارس کوردوفان از ائمه دین اسلام تحصیل علوم و فنون نمود و چون به اروپا مراجعت کرد چنان جلوهئی نمود که او را در مدتی قلیله پاپ انتخاب نمودند و بجمیع اقالیم اروپا حکمران شد و این تفصیل در تاریخ دربار فرانسوی مذکور و تاریخ مذکور مطبوع باری این بنصوص تاریخیّه مشهور

و همچنین ملاحظه نمائید که قوم اسرائیل در بلاد مصر در نهایت ذلت و اسیری بودند و در صحرای جهل و نادانی سرگردان چون حضرت کلیم مهدی بنار موقده الهی گشت و از شعله طور لمعه نور مشاهده فرمود بهدایت اسرائیل برخاست آن قوم سرگشته و سرگردان و اسیر ظلم ستمگران و مخمود و محروم از جمیع علوم و فنون را بارض مقدسه کشانید و تأسیس دین الله فرمود و بنصائح پرداخت و وصایای الهی مجری داشت در اندک زمانی اسرائیل در جمیع علوم و فنون ترقی نمود و آوازه بزرگواری اسرائیل بشرق و غرب رسید و صیت دانائی اقالیم عالم را بحرکت آورد حتی فلاسفه یونان اکثری مانند سقراط و فیثاغورث بارض مقدس شتافتند و از اسرائیل تحصیل علوم و فنون نمودند و بیلاذ یونان شتافتند یونانیان را دانا کردند و از خواب غفلت بیدار نمودند این بود که فلاسفه یونان در علوم و فنون آن صیت و شهرت یافتند حال با وجود این دلایل باهره و براهین قاطعه که بنصوص جمیع تواریخ امم ثابت آیا انصافست که کسی بر زبان راند که دین مخالف آئین معارف و علوم است استغفر الله عن ذلک عنقریب خواهید دید که بهائیان در جمیع علوم و فنون سرحلقه دانایان گردند و کوس علم و دانش را در اوج اعلی زند مرکز اکتشافات عظیمه شوند و مصدر اختراعات نامتناهی گردند و لیس ذلک علی الله بعزیز و علیکم البهاء
الأبھی ع ع